

در آذرماه سال جاری آقای پرفسور ایندوشیکار استاد زبان و ادبیات سانسکریت و هندشناسی دانشگاه تهران بنا بدعوت دانشکده ادبیات و دانشگاه تبریز و موافقت وزارت فرهنگ برای ایراد چند خطابه به تبریز آمدند و سخنرانیهای جالبی باحضور استادان و دانشجویان و عده‌ای از رجال ، فرهنگیان و معارف شهر در سالن دانشکده ادبیات ایراد کردند که فوق‌العاده مورد توجه واقع گردید . اینک ترجمه یکی از خطابه‌های ایشان که تحت عنوان افسانه‌های ادبیات هندی و کلیله و دمنه میباشد و در همان جلسه توسط آقای دکتر جواد سجاده استاد تاریخ و زبان انگلیسی دانشکده ارتجالا ترجمه شده برای استحضار خوانندگان عزیز نشریه چاپ میشود .

## افسانه‌های ادبیات هندی و کلیله و دمنه

پیدایش افسانه مانند بعضی مسائل دیگر در ادبیات سانسکریت در لباس ابهام و پرده تاریکی مانده ، تاریخ میگوید که این افسانه‌ها هزاران سال است که ادامه دارد ولی برای ثبوت آن شواهد و مدارکی در دست نیست تا بشود برای پیدایش آن تاریخ معینی را ذکر کرد ، کتابهای ودائی که تاریخ‌نژاد آریین است درباره افسانه‌هایی که جنبه تعلیماتی دارد خاموش است و چیزی در آن یافت نمیشود، ولی درس‌ورها و محاوره‌ها و مناظره‌های ریگ و ودائی داستانهای چند در تفاسیر برهمنی و ادبیات اُپنی‌شاد پیدا میشود که میتوان آنها را نوعی از افسانه دانست ، بهمین ترتیب سرودهای نیز هست که سراینندگان اولیه آن بین دنیای انسانی و حیوانی روابطی برقرار نموده‌اند ، این افسانه‌ها هیچگونه نتیجه و هدف تعلیماتی ندارد ، شاید بواسطه عقیده باصول تناسخ آریین‌ها توانسته‌اند بفوائد تعلیماتی عالم حیوانی پی‌برند و با ذکر تمثیل از دنیای حیوانی رفتار و کردار مردان بزرگ را جلوه دهند ، برای اولین بار در افسانه‌های بودائی این توجه به قسمت تعلیماتی بیش از نقل و بیان داستان آشکار است .

شاید نسبت این تمایلات انسانی بحیوان و نبات بواسطه حشر زیاد و خو گرفتن آنها با طبیعت بوده که قاعده می‌بایست آیین‌های اولیه را نیز از تأثیر آن خالی ندانست. در هر حال اگر این افسانه‌ها را بوجه کامل آن در نظر گیریم بازین آنها و داستانهای معروف حیوانات که با مهارت و هنر خاصی نکات تعلیماتی آنها آراسته شده تفاوت فاحش موجود است.

این داستانهای تعلیماتی فقط برای داستان‌سرایی درست نشده بلکه هدف و منظور معینی در آنها ملحوظ است که آن ذکر و بحث در رفتار و سیاست بشر است. چون این افسانه‌ها قوانین و شعائر اخلاقی را در برداشت بمنظور این بود که از آنها شاهزادگان جوان و بی‌تجرب به درس سیاست و اخلاق آموزند لهذا قسمت‌های تاریک و غم‌انگیز زندگی را مانند حرص و بخل برهنمی‌هاود سیسه و توطئه‌خانم‌های حرم‌سراها و بی‌وفائی زن‌ها که مردان غالباً نسبت بآنها جنبه‌یک‌طرفی نشان میدهند ارائه می‌داد این افسانه‌ها کاملاً مربوط به سلسله قوانین عقل و حکمت روزانه زندگی بوده ولی هیچگاه درس زرنگی را با بضرر و علیه شعائر و نوامیس اخلاقی نمیدهد. نوری بقسمت‌های روشن و خوش زندگی می‌اندازد و وظایف طبقه حاکمه را بسیار اهمیت داده و بانجام دادن آن سفارش اکید میکند.

این داستانها بهتر بیان شده‌اند ولی نکات شعائر اخلاقی برای اینکه بهتر و آسان‌تر بخاطر سپرده شود بنظم آورده شده و برخی از این افسانه‌ها تماماً بنظم میباشد چون این داستانها برای شاهزادگان جوان و ناآزموده ساخته شده موضوع آنها بشکل زیبا و هنرمندانه‌ای آراسته شده و دریک داستان داستانهای چند آورده شده و آوردن چند حکایت در یک داستان بزرگ بطوریکه رشته حکایت اصلی از هم گسیخته نشود و نتیجه و تأثیر خود را داشته باشد خود مهارت زیاد میخواهد زیرا موضوع اصلی را باید بشکل عالی و رسائی با اشاره با افسانه‌های دیگر بیان نمود.

گاهی اصل موضوع بواسطه آوردن حکایات متعدد و پیوستن آنها بیکدیگر از دست خواننده می‌رود و با اشکال می‌تواند باصل موضوع پی‌برد ولی با این احوال میل و رغبت او در خواندن داستان از بین نمی‌رود، با توجه به نکته نامبرده بنظر می‌آید که این رویه تولید اشکال نموده و درست عملی نمی‌باشد ولی صیت و شهرتی که این افسانه‌ها پیدا نمود خود دلیل بود که مورد پسند و مقبول طبع است.

مشکل اینست که بگوئیم چطور این نویسندگان اولیه به این رویه مبتکرانه رسیدند ولی اینقدر مسلم است که آنرا بمنظور تأیید و تشدید نکات تعلیماتی آن ابتکار نموده‌اند و افسانه‌های جاکاتا که مربوط به تولد بود است خود دلیل بر آنست بهمین ترتیب دشوار است که بگوئیم چه وقت این داستانها بیکدیگر آمیخته شده است. دکتر ج. هر تل که مطالعات عمیق و علاقه وافرایی باین موضوع و این افسانه‌ها دارد معتقد است که این داستانها دو بیست سال قبل از تولد مسیح در کشمیر وجود داشته ولی دلائل او مورد قبول دانشمندان و محققینی مانند آ. گرتن کایث و دیگران واقع نشده است.

با اینکه در ادبیات موجوده هند چندین مجموعه حکایات یافت می‌شود باز مهم‌ترین و قدیمی‌ترین این داستانها داستان پنجانتراست که بچندین شکل و طرح بدست ما رسیده است تاریخ آن در ادبیات دنیا بیش از هر چیز دل‌انگیز و جالب توجه است. همانطور که از اسم کتاب مستفاد می‌شود دارای پنج بخش یا کتاب است و هر یک راجع بموضوع خاصی می‌باشد اولین شاهد و دلیل بر این وجود این کتاب ترجمه پهلوی آنست که در ۵۷۰ میلاد مسیح توسط بزرگوار طیب و وزیر انوشیروان پادشاه مشهور ساسانی صورت گرفته است این وزیر هنگامیکه در هندوستان مستافرت می‌کرد با کمک بعضی پندیت‌های هندی این افسانه‌ها را جمع‌آوری نمود، باین ترجمه که با اصل قدری اختلاف داشت بزرگوار خود چند فضلی از مهابهاراتا و سایر حکایات هندی که بدوق او بهتر آمد بیفزود در هر صورت باید این حق را به

برزویه داد که سعی نکرده است این حکایات را جزء افسانه‌ها و حکایات اهل کتاب قلمه‌ها کند زیرا تنها باین اکتفا نموده که آنها را در پایان ترجمه پهلوی خود اضافه کند، اسم این کتاب را برزویه، کلایله و دمنه نهاد که همان کاراتلکا و دمانا کا نسخه سانسکریت است معلوم نیست چرا اسم این دو شغال را که در دو فصل اول کتاب سبم بن جسته‌های از زنده‌تر جیح دانه‌است، این طور بنظر می‌رسد که مهارت و زرنگی دو شغال طوری جلب نظر او را کرده بود که کتاب را با اسم این دو حیوان نام گذاری نمود متأسفانه ترجمه پهلوی آن هم مقفود شده ولی قبل از اینکه این ترجمه از دست برود دو ترجمه از روی آن بعمل آمده بود که هنوز هم وجود دارد. از این دو ترجمه یکی ترجمه سریانی آنست که گویا در زمان خود برزویه شده است یعنی قبل از پایان قرن ششم میلادی و دیگری ترجمه عربی است که توسط عبدالله بن مقفع در حدود ۷۵۰ میلادی برشته تحریر آمده. مترجم عربی آن یعنی ابن مقفع هم از برزویه پیروی نموده مقدمه‌ای از خود بآن افزوده و بعد چند حکایت دیگری هم در آخر کتاب آورده است که معلوم نیست اصل و منشاء آن حکایات اضافی از کجاست ولی این کتاب شهرت بسزائی بهم زد و بنام افسانه‌های پیل پای معروف شد، باینکه از نسخه سریانی آن اثری نبود و تا اواسط قرن نوزدهم کسی از آن خبری نداشت ترجمه عربی آن نسخ متعدد پیدا کرد و بتمام اروپا و آسیا رسید و بزبانهای متعددی ترجمه شد دیگر کمتر زبانی است که کتاب پنج‌تنترا بآن ترجمه نشده باشد و میگویند این کتاب بعد از کتاب مقدس مشهورترین کتاب است.

قبل از پایان قرن هیجدهم هیچ نسخه‌ای از پنج‌تنترا در آسیا و اروپا یافت نمی‌شد که بطور مستقیم و یا غیر مستقیم از روی نسخه عربی آن ترجمه نشده باشد بنابراین باینکه این افسانه‌ها در هندوستان نوشته شده بوه توسط یک دانشمند محقق ایرانی ترجمه شد و بالاخره بواسطه کار او بود که نسخه عربی آن با طراف دنیا رسید.

از نسخ متعدّد و ترجمه‌هایی که از آن بعمل آمده میتوان نسخ زیرین را که

منشأً ترجمه نسخ دیگر بوده است ذکر کرد.

۱- نسخه یونانی سی‌مئونسس است (۱۰۸۰ میلادی) این نسخه قدیمی‌ترین نسخ اروپائی است و بعداً از روی آن نسخه ترجمه‌هایی بزبان‌های روسی و اسلاو شده است.

۲- نسخه سریانی که در حدود انتهای قرن دهم میلادی بوده.

۳- نسخه فارسی که بقلم نصرالله ابوالمعالی است که در ربع اول قرن دوازدهم بوده است.

۴- نسخه عبری است که ربی یوال<sup>۱</sup> در حدود ۱۲۵۰ میلادی ترجمه نموده. نسخه

لاتین کتاب کلیله و دمنه از روی این است که جان یهودی از اهالی کاپوآ آنرا بنام کتاب کلیله و دمنه یا راه‌نمای زندگی انسانی ترجمه نموده و بواسطه شهرتی که این کتاب در بین سالهای ۱۲۶۰ و ۱۲۷۰ م پیدا نموده چند ترجمه دیگر از روی آن بزبانهای کشورهای اروپای غربی بعمل آمد است.

۵- ترجمه قدیمی اسپانیولی که در حدود ۱۲۵۰ م توسط مترجم نامعلومی ترجمه

شده و قدیمی‌ترین نسخه‌ای میباشد که بزبانهای اروپای غربی ترجمه شده است.

۶- نسخه آلمانی که از روی نسخه جان کاپوآ است و یک نسخه خیلی مشهور آلمانی

توسط جان فور یافت میشود که آنرا (کتاب نمونه‌های عقلاء قدیم) نامیده است این کتاب در ۱۴۸۰ م برای اولین بار منتشر شد ولی خیلی پیش از آن تهیه شده بود و طوری شهرت یافت که در عرض ۵۰ سال بیست مرتبه بطبع رسید بعضی محققین عقیده دارند که این از یک نسخه نامعلوم ایتالیائی ترجمه شده ولی برای این مطلب دلیلی در دست نیست.

۷- نسخه ایتالیائی که (ا. ا. ف. دنی) در ۱۲۵۲ م ترجمه نموده و این از روی نسخه

لاتین جان کاپوآ است و از آن جهت مهم است که ترجمه انگلیسی سر تامس نرت از روی آن بوده است این ترجمه در ۱۴۷۰ م در تحت عنوان فلسفه اخلاقی دنی.

۸- نسخه فرانسوی بنام (کتاب روشنائی‌ها و یارفتار سلاطین است) که بیشتر معروف

بافسانه‌های پیل‌پای هستند این کتاب برای اولین بار در ۱۶۴۴ م منتشر شد و ترجمه آن از روی نسخه فارسی انوار سهیلی است که حسین واعظ کاشفی آنرا در قرن ۱۵ م نوشته است. چند نسخه دیگر از روی این کتاب در هندوستان بزبان هندی و هم‌چنین بزبان ترکی بطبع رسید است.

ترجمه فرانسوی که معمولاً بنام افسانه‌های پیل‌پای شناخته شده مآخذی برای افسانه‌های لافتن شد که در تحت تأثیر این افسانه‌ها واقع شده بود، یک ترجمه دیگری بزبان فرانسه از روی همایون‌نامه که بزبان ترکی است بعمل آمده این همایون‌نامه همان ترجمه انوار سهیلی است این هر دو کتاب شهرتی پیدا کردند بطوریکه بزبانهای انگلیسی - آلمانی - سوئدی - هلندی - لهستانی - هنگری و یونانی ترجمه شده است، بواسطه ترجمه فرانسه آن کلمات پیل‌پای و بیدپای رواج یافتند و آنها را معادل و مترادف با کلمه فیلسوف میدانستند کمتر دانشمندی بود که بداند که این دو کلمه مأخوذ از کلمه سانسکریت - ویدیپاتی بمعنی دانشمند است که تحریف شده و بدین صورت در آمده است. بنا بر این با بعضی تغییرات و تبدیلاتی که شناسائی آن مشکل است داستانهای پنجانترا بچندین کشور و قاره رسید و نمیشود باسانی نسبت این نسخ را بیکدیگر پیدا نمود برای اینکه موضوع وسیع است و قابل کنترل و ضبط نیست، اما اینکه آیا این داستانها بخوانندگان حکمتی آموخته مسئله‌ای است که بسته بعقیده افراد و مستلزم تفحص و تعمق است ولی شکی نیست که این افسانه‌های هندی میلیونها مردم را سرگرم نمود و بآنها شادی و فرح بخشید و نشان داد که در طی این ایام طولانی خواندن آن برای آنها لذت آور بوده و با تشریح مساعی این حیوانات بازیگر نمونه مناسبی برای یک هم‌آهنگی در تکمیل و رشد قوای بشری است.

متأسفانه کتاب اصلی پنجانترا که بر زویه طبیب ترجمه خود را از روی آن نمود مفقود شده مدتی زیاد این‌طور تصور میرفت که حکایاتی که بر زویه از مهاباها راتا و سایر منابع گرفته بود از قسمت اصلی کتاب پنجانترا است که در دسترس نیست.

بعضی دانشمندان و محققین عقیده داشتند که نسخه اصلی نسخه بونائی بوده ولی برای آن دلیلی در دست نیست، بهمین نحو نمی‌شود گفت که نسخه اصلی در کشمیر بوجود آمده.

موقعیکه اروپائی‌ها تازه آشنا باین افسانه‌ها شدند بعضی از آنها برهبری دکتر وبر که در زبان هندی متبحر بوده عقیده داشتند که هندیها این افسانه‌ها را از یونان اخذ نموده‌اند ولی کاوشهای بعدی نشان داد که این تصور خطا بوده و از آن بعد این عقیده طرفداری پیدا نکرد حتی در خود اروپا، باید اذعان کرد که شبیه و ردیف آن نسخه بزبان یونانی و ایتالیائی یافت میشود مانند افسانه‌های اسوف ولی اینها از منبع دیگری است و از طرفی دیگر عده را عقیده بر آنست که این حکایات هم باز از منبع هندی اخذ شده منتهی آنرا برای اینکه بهتر شناخته شود. بمحیط خود وفق داده‌اند مثلاً در یونان شغال را چون وجود نداشته برداشته و روباه که بیشتر بآن آشنائی داشتند بجای آن گذازدند.

### نسخ هندی:

علاوه بر نسخه پهلوی نسخ دیگری هم در هندوستان حفظ شده و بالطبع کتابی که این طور در دلها جا گرفته باید نسخ گوناگون آن بدست نسلهای بعدی برسد.

این اختلافات و نسخ مختلف به چهار نوعند:

۱- نسخه پهلوی است که از آن نسخ سریانی و عربی گرفته شده است و بسا تغییراتی با اروپا و خاورمیانه برسیده.

۲- نسخه شمال غربی که در بریتهاوت کتابی گندهیا است که بزرگترین مجموعه داستانها نیست که می‌شود تصور نمود ولی متأسفانه تا زین رفته و حفظ و در شده است این مجموعه بوسیله يك محقق کشمیری بنام کشمندرا مؤلفه بریتهاوتها کاتا منجاری مورد استفاده واقع شد يك کتاب مهم دیگری که دارای مزایای زیاد است کتاب کلتا ساریت ساکار یعنی اقیانوس

جویبارهای داستانها که توسط دو اکشمیری تألیف شده . هر دو مجموعه‌های کشمیری خیلی بزرگ و قابل توجه است .

۳- تنتر اخیائیکا نسخه دیگریست که تصور می‌رود نسخه خیلی قدیمی باشد که برزویه ترجمه خود را از روی آن نموده .

۴- نسخه نهالی است این نسخه مختصر است و با نسخه هند جنوبی خیلی شباهت دارد .

علاوه بر این نسخ نسخه دیگری در تحت عنوان هیتوپادشا یا کتاب پندواندرز یافت می‌شود که مؤلف آن نارایان شرما می‌باشد و در بنکال در حدود قرن ۱۲ تهیه شده و تا امروز شهرت خود را از دست نداده و خیلی طرف توجه است در این کتاب مؤلف فقط پنج بخش از پنج تنتر را حفظ نموده و از منابع دیگر آزادانه بآن نکته‌هایی راجع برفتار و کردار اخلاقی اضافه نموده است .

### مؤلف و عنوان کتاب:

چنانکه قبلاً ذکر شد سخت است که يك تاريخ معینی را برای پیدایش این داستان‌ها و جمع آوری آن بیک مجموعه معینی نشان داد ولی از محتویات و روح کتاب آنطور مستفاد می‌شود که این افسانه‌ها هنگامی درست شده و بشکل معینی در آمدند که پادشاهان هندی نیرومند بوده و زبان سانسکریت در تحت حمایت آنان رشد پیدا کرد .

روح کتاب نشان می‌دهد که هندویست و فلسفه و افکار هندی نیک در آن آشکار است و وضع سیاسی و اجتماعی که کتاب منعکس می‌کند دوران عصر طلائی گوپتا را نمایش می‌دهد دوره‌ای که هندوستان هندوها در اوج قدرت و عظمت بود طبیعی بود که این پادشاهان باید به فرزندان جوان خود درس عملی سیاست و اداره امور را بیاموزند و این را بواسطه ارائه جنبه‌های مختلف اداری و عمومی زندگی تعلیم میدادند. مؤلف و بیشتر شارما که اصل آن کتاب معلوم نیست از کجا است ظاهراً برهمنی بوده که فن



لطیفه گوئی را در حکایات می دانسته . محققین و دانشمندان و یشتوشارما را با ویشنو گوپتا یکی دانسته اند ولی دلیل کافی برای آن موجود نیست ، هر کس باشد فن داستان سرایی و تعلیم سیاست را هنرمندانه بهم آمیخته است و مسلماً هنرمند ماهری بوده که می توانسته داستانها را بسبک و رویه زنده و با روحی جلوه دهد ، این داستانها را از خود ایجا نکرده بلکه از زندگانی و گنجینه حیات اخذ نمود و آن روح زنده داد شاید در ابتدا کتاب پنج تنمرا فقط منحصر بدو بخش بوده که در آن دو بخش این دو شغال سهم مهمی را دارا بودند و بتوالی ایام این کتاب اسم پنج تنمرا بخود گرفت یعنی هنگامیکه دارای پنج بخش شد - قبل از آن این مجموعه معروف به تنتر اخیائیکا یا مجموعه افسانه و قصص بود ، بعقیده بعضی ها این داستان در ابتدا فقط منحصر بسه فصل بود و بعداً دو فصل دیگر بآن اضافه شده است ولی هر گاه این صحت داشته باشد باید عنوان اصلی کتاب طور دیگری باشد چون چند کتابی شبیه این داستانها در ادبیات بودائی یافت میشود یک دانشمند آلمانی بنام بن فی عقیده دارد که اصل آن بودائی بود. ولی بمجرد اینکه هندوها غلبه پیدا نمودند قسمت بودائی آن را برداشتند .

این نظریه بواسطه اینکه قصه های جتا کا بعد از قرن پنجم م نوشته شده دیگر مورد توجه نیست زیرا در آن هنگام داستانهای پنج تنمرا شکل معینی بخود گرفته بود. اما در مورد نسخه فارسی ابوالمعالی این داستانها را بسبک و ذوق شخصی خودش به ۱۶ بخش تقسیم نمود .

مطابق نظریه این مؤلف ده فصل اول در اصل کتاب داستانهای هندی است و بقیه را خودش بآن اضافه نموده است .

ولی نکته شگفت آور اینست که این ده فصل بیشتر از سه فصل اول کتاب پنج تنمرا گرفته شده است .

در اغلب این داستانها نقل داستان به نشر حفظ شده است . ولی پند و اندرز و

وشعائر اخلاقی که غالباً بنظم بود از بین رفته است و تا موقعیکه ترجمه فارسی کتاب قدیمی تنترا خیائیکا **Tantra khyâyika** در دسترس واقع نشود سخت است که دخل و تصرفاتی که در آن شده ذکر کرد.

یقین دارم با علاقه زیادی که نسبت به تحصیل و پیشرفت علوم هند و ایرانی نشان داده میشود طولی نخواهد کشید که نسخه تازه از پنجانترا آشکار خواهد شد. در سانسکریت کتبی یافت میشود که میتوان گفت که این کتاب مشهور پنج تنترا با توجه بآنها در منابع هندی منعکس است و ذکر آنها مجال و محل دیگری را لازم دارد.

در هر صورت اغراق نیست اگر بگوئیم که هندوستان مهد و گهواره این گونه داستانها که از آن چشمه سارهایی گوناگون جاری شده و زمینهای مختلفی را آبیاری کرده بوده است.

آنهاست که پنجانترا را خوانده اند میدانند که فصل اول این کتاب راجع بدوست یابی است که در این هزار و پانصد سال اخیر بطور خاصی طرف توجه و مورد نظر جوامع سیاسی بوده است بدین سبب است که در اجتماع و سیاست و ادبیات از عالی ترین و مهمترین اصول اخلاقی و ادبی است.

در این ایام که مجاملات دیپلماسی و ظرافت‌های ادبی و اجتماعی رایج و بیداری فرهنگی از هر طرف ظاهر و جلوه گر است کتابی که فروش آن بیش از سایر کتابهای مشهور بوده کتاب آئین دوست یابی دیل کارنگی است. این خود بزرگترین دلیل و گواه است که نویسندگان پیشین و حکماء دیرین این اصل وقاعده ادبی را در آن روزگار کهن بخوبی دریافته اند.